

بررسی فقهی و حقوقی اعتبار و آثار سلب حق

(ماده ۹۵۹ قانون مدنی)

مؤلفین

حیدر محمدی حرینی

(دانش آموخته رشته حقوق خصوصی از دانشگاه آزاد کرمانشاه)

دکتر علیرضا مطلوب زاده

(دکترای حقوق خصوصی)

مقدمه حقوقی، حمید، ۱۳۹۱	مقدمه
ایران، قوانین و احکام Iran, Laws, etc	عنوان قرارداد
بررسی فقهی و حقوقی اعتبار و آثار سلب حق (ماده ۹۵۹ قانون مدنی ایران) حمید محمدحسین، علیرضا مهران	عنوان و نام پدیدآور
تولید: حکایت فلم نوین، ۱۳۹۶	مشخصات نشر
۱۳۹۱	مشخصات فیزیکی
۹۷۸-۶۰۰-۸۰۸۱۶۵-۴	شابک
فهرست	فهرست فهرست نویسی
کتابخانه، ص ۲۱۹-۲۲۹	پایه‌السن
سلب حق	موضوع
Deprivation of rights	موضوع
حقوق مدنی - ایران	موضوع
Iran - Civil rights	موضوع
حقوق مدنی (فقه) - ایران	موضوع
Civil rights (Islamic law) - Iran	موضوع
منظوم و شعر، علیرضا، ۱۳۹۷	شماره دوره
KMII - ۱۳۹۷-۲۵-۱	ردیف بکرم
۱۳۹۷	ردیف پدی
	شماره



حکایت فلم نوین

بررسی فقهی و حقوقی اعتبار و آثار سلب حق (ماده ۹۵۹ قانون مدنی)

مؤلفین: حمید محمدحسین، علیرضا مهران

جلد اول: ۱۳۹۱

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

شمارگان: ۱۰۰

چاپ و صحافی: تکثیران نو

صفحه آرای: سیمین خداکرمی

شابک: ۹۷۸۶۰۰۸۰۸۱۶۵-۴

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان لبافی نژاد، قبل از تقاطع فرهنگسرای، پ ۱۷۴،

واحد ۱

تلفن: ۶۶۴۹۷۳۰۰ - ۶۶۴۹۷۲۹۵

این کتاب حاضر حاصل پایان نامه دانشجویی با عنوان "بررسی فقهی و حقوقی اعتبار و آثار سلب حق (ماده ۹۵۹ قانون مدنی)" است و کلیه حقوق مادی و معنوی آن متعلق به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه می باشد.

فهرست مطالب

مقدمه: ۱۳

فصل اول

کلیات

۲۱	مبحث نخست: مفهوم شناسی
۲۱	گفتار نخست: مفهوم حق
۲۱	بند نخست: تعریف لغوی حق
۲۱	بند دوم: تعریف حقوقی حق
۲۲	بند سوم: تعریف حق از دیدگاه آیه و حقوق
۲۴	گفتار دوم: تعریف حکم
۲۴	گفتار سوم: مفهوم قاعده سو استفا از حق
۲۷	گفتار چهارم: تعریف اسقاط (سلب) حق
۲۸	گفتار پنجم: تحلیل حق
۳۰	مبحث دوم: ارکان و انواع حق
۳۰	گفتار نخست: ارکان حق
۳۶	گفتار دوم: انواع حق
۳۶	بند نخست: به اعتبار دارنده حق
۳۷	بند دوم: به اعتبار موضوع
۳۹	گفتار سوم: مراحل حق و شرایط اجرای آن
۳۹	بند نخست: مراحل حق
۴۰	بند دوم: شرایط اجرای حق

۴۱	مبحث سوم: ویژگی های حکم
۴۵	مبحث چهارم: اسباب پیدایش حقوق فردی
۴۵	گفتار نخست: عقد
۴۷	گفتار دوم: شبه عقد
۴۷	گفتار سوم: جرم
۴۸	گفتار چهارم: شبه جرم
۴۹	گفتار پنجم: قانون
۴۹	گفتار ششم: قایع قضایی
۵۰	بند دوم: اءال قه بى
۵۵	مبحث پنجم: ماهیت اسقاط و اقسام اسقاط
۵۵	گفتار نخست: ماهیت اسقاط
۵۷	گفتار دوم: اقسام اسقاط
۵۷	بند دوم: اسقاط ضمنی
۵۸	گفتار سوم: صلح بر اسقاط
۵۹	گفتار چهارم: دعوی اسقاط
۶۱	فصل دوم
۶۱	بررسی آثار و شرایط اسقاط حق در فقه و حقوق ایران
۶۳	مبحث نخست: اهلیت تمتع
۶۳	گفتار نخست: اهلیت تمتع در جنین
۶۶	گفتار دوم: اهلیت استیفاء
۷۳	گفتار سوم: حمایت از شخصیت

۷۸.....	مبحث دوم: اصل آزادی قراردادی در قراردادها
۷۸.....	گفتار نخست: اصل آزادی های قراردادی
۸۵.....	گفتار دوم: حدود آزادی اراده
۸۷.....	گفتار سوم: عوامل محدودکننده آزادی
۸۷.....	بند نخست: جلوه های محدودیت اراده
۹۰.....	بند دوم: محدودیت های ناشی از قرارداد
۹۱.....	بند سوم: مواز خودداری از بستن قرارداد - اجبار غیر مستقیم
۹۳.....	بند چهارم: اجبار مستقیم
۱۰۰.....	گفتار چهارم: مواز به مفاد و آثار قراردادها
۱۰۱.....	گفتار پنجم: وجود اراده
۱۰۷.....	گفتار ششم: آزادی در اسقاط حق
۱۱۱.....	گفتار هفتم: شرایط برقراری حق
۱۱۱.....	بند نخست: آزادی دو طرق قرارداد
۱۱۲.....	بند دوم: اثر اذن محض مالک؛ اباحه
۱۱۳.....	بند سوم: اذن الزام آور
۱۱۴.....	مبحث سوم: شرط مانع از انتقال
۱۱۵.....	گفتار نخست: التزام به عدم انتقال
۱۱۵.....	بند نخست: مفاد شرط و نفوذ نسبی آن
۱۱۶.....	بند دوم: ضمانت اجرای تخلف از شرط
۱۱۷.....	گفتار دوم: سلب حق انتقال از مالک
۱۱۷.....	بند نخست: مفاد و صورتهای شرط

- بند دوم: نفوذ شرط و حدود آن ۱۱۹
- بند سوم: ضمانت اجرای شرط ۱۲۳
- گفتار سوم: اسقاط حق انتقال ۱۲۴
- مبحث چهارم: اسقاط حق به وسیله شرط ضمن عقد ۱۲۶
- گفتار نخست: ماهیت اسقاط حق ۱۲۶
- گفتار دوم: ضمانت اجرای تخلف مشروط علیه و انجام عمل منافی با شرط ۱۳۱
- مبحث پنجم: چگونگی الزام در صورت تخلف از شرط ۱۳۴
- گفتار نخست: شرط ترک فعل مادی ۱۳۴
- بند نخست: عاده به وضع سابق ۱۳۶
- بند دوم: قاعده عدم التراجع ۱۳۶
- گفتار دوم: شرط ترک فعل حقوقی ۱۳۷
- بند نخست: چگونگی الزام در صورت تخلف از شرط ۱۳۷
- بند دوم: عدم ملازمه حکم تکلیفی و وضعی ۱۳۸
- گفتار سوم: سلب حق معامله ۱۳۹
- بند نخست: عدم ملازمه بین فقدان حق و بطلان ۱۴۱
- بند دوم: ترجیح حکم عدم نفوذ ۱۴۲
- بند سوم: مقایسه با فضولی ۱۴۲
- مبحث ششم: قابلیت اسقاط حق توارث زوجین ۱۴۳
- گفتار نخست: حق استدلال زوجین در دارایی ۱۴۸
- بند نخست: اصل تسلیط ۱۵۰

بند دوم: آیه اکتساب.....	۱۵۱
بند سوم: اصل عدم ولایت.....	۱۵۱
گفتار دوم: اسقاط حق استقلال زوجین در دارایی.....	۱۵۵
مبحث هفتم: رابطه قاعده لاضرر و قاعده سوءاستفاده از حق از حیث قلمرو.....	
.....	۱۶۳
گفتار نخست: قلمروی قاعده لاضرر.....	۱۶۳
گفتار دوم: قلمرو قاعده سوءاستفاده از حق.....	۱۶۵
بند نخست: معیار قاعده لاضرر.....	۱۶۹
بند دوم: معیار قاعده سوءاستفاده از حق.....	۱۷۴
بند سوم: قصد اضرار.....	۱۷۵
گفتار چهارم: انحراف از غایت اجرای حق.....	۱۷۸
مبحث هشتم: مبنای فقهی و حقوقی اسقاط حق.....	۱۸۱
گفتار نخست: اقسام روشهای اسقاط حق.....	۱۸۲
گفتار دوم: تفاوت اسقاط و سلب حق با سایر موارد روال حق.....	۱۸۳
گفتار سوم: حدود اختیارات اشخاص در اسقاط یا سلب حق.....	۱۸۴
گفتار چهارم: انواع حق مورد اسقاط از نظر قانون مدنی.....	۱۸۷
بند نخست: اسقاط حق تمتع بطور کلی و جزئی.....	۱۸۷
بند دوم: اسقاط حق اجراء بطور کلی و جزئی.....	۱۸۸
مبحث نهم: تحلیل ماده ۹۵۹ قانون مدنی در پرتو مفاهیم «حقوق مدنی».....	۱۹۲
گفتار نخست: بررسی آرای نویسندگان حقوق مدنی درباره مواد ۹۵۹ قانون مدنی.....	۱۹۳

گفتار دوم: مفهوم حقوق مدنی در ماده ۹۵۹ قانون مدنی و قلمرو آزادی	
اراده در سلب آن	۱۹۷
بند نخست: مفهوم «حقوق مدنی» در ماده ۹۵۹ قانون مدنی	۱۹۷
بند دوم: حدود آزادی اراده در سلب حقوق مدنی	۲۰۶
فصل سوم	۲۱۱
نتیجه گیری و پیشنهادات	۲۱۱
پیوسته ها	۲۱۳
پیشنهادهای	۲۱۸
منابع و مآخذ	۲۱۹
الف) کتب فارسی	۲۲۱
ب) کتب عربی	۲۲۴
ج) مقالات	۲۲۹

مقدمه:

آزادی و اراده افراد انسان در زندگی قضائی مطلبی است که از قرن‌ها جلب توجه حقوقدانان را بوده است و هر جامعه‌ای به این مطلب مدتها اندیشیده است و هر قومی اصطلاحات خاصی برای آن دارند در اصطلاحات حقوقی اسلامی، اصطلاح مربوطه به این موضوع (اصل اباحه) یا (عقد الاباحه) است. در حقوق کنونی قانون گزار، با وضع ماده ۱۰ ده، از این قراردادها را توسعه بخشیده است و محدودیتی که قبلا در خصوص نمود نامعین وجود داشت و الزاماً برای انعقاد آنها می بایست از قالب عقد معین صلی استفاده نمود برطرف شده است این ماده که حاوی اصل آزادی قراردادها را حکومت اراده است. مفاد اصل آزادی قراردادی را می توان چنین تعبیر کرد که اشخاص آزادند به هر شکل معقول که می خواهند با هم پیمان ببندند و آثار آن را معین سازند، مگر اینکه مفاد تراضی آنان، به دلیل مخالفت با قانون یا نظم عمومی و اخلاق نامشروع باشد. و نیز مطالعه تاریخ فقه نشان می دهد که نظر به محدود بودن صورت قراردادها (عقود معین) که روزی نظر مشهور بود، رفته رفته مهجور می شود و فقیهان معاصر بیشتر تمایل دارند که هر عقد معقول و اخلاقی مورد نیاز را که با احکام شرع

مخالفت ندارد به عنوان منبع الزام پذیرند و قلمرو و حکم (وفای به عهد) (اوفو بالعهود) را محدود به پیمان های عهد رسول نسازند (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۴۵). جز در مواردیکه قانون مانعی در راه نفوذ قرارداد ایجاد کرده است، اراده اشخاص حاکم بر سرنوشت پیمانهای ایشان است و آزادی اراده را باید به عنوان (اصل) پذیرفت. نمی توان ادعا کرد مفاد این ماده در حقوق ما پیشینه تاریخی ندارد، ابداع نویسندگان قانون مدنی یا ثمره تقلید از حقوق اروپائی است. زیرا فقیهان امامیه دست کم در مبحث شرط از همین اصل پیروی می کرده اند و عقد صلح، تمام مامله وسیله تامین آزادی اراده در قراردادهای بوده است. گروهی از مدرسان و فقهان نیز وفای به همه عقود را که برخلاف خلاق، عقل و شرع نباشد واجب دانسته اند (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۴۴).

سلب حق از موضوعات مهمی است که در مباحث فقهی و حقوقی و موضوعات گوناگون مورد توجه قرار گرفته است از آنجا که سلب حق در مقابل غیر بمنزله تعهد و قراردادی خصوصی می باشد و اشخاص با توجه به نیاز و منافع و تمایلات خود آن را ایجاد می نمایند، می توان براساس ماده ۱۰ قانون مدنی حکم به نفوذ و صحت آن داد. و شخصی

که از خود حق را سلب نموده است در مقابل دیگران ملزم به رعایت تعهد خود می باشد و به هیچ بهانه ای نمی تواند از زیر بار شرط خود شانه خالی کند و بر اساس اصله الصحه در مواردی که سلب حق مورد تردید قرار گیرد، می بایست اصل صحت را جاری کرد و کسی که مدعی عدم مشروعیت آن است بایست دلیل ارائه دهد. بنابراین سلب حق نمی تواند به بهانه عدم صحت یا عدم مشروعیت از تعهد خود سرباز زند. اصل آزادی قراردادی و حاکمیت اراده، و نیز اصل صحت از جمله اصولی است که می توان از آن برای توجیه صحت سلب حق سود جست. از این برای تحکیم مبنای ماده ۹۵۹^۱ قانون مدنی بهره برد. از مفهوم مخالف حکم این ماده چنین برمی آید که سلب حق بطور جزئی مباح بوده و منطبق با اصل آزادی قراردادها و حاکمیت اراده می باشد. بنابراین افراد می توانند با سودی که مخالف با مفاد این ماده نباشد حق خود را سلب نمایند. و در مقابل دیگران تعهد نمایند که از حق معین خود استفاده نکرده و آنرا ساقط نمایند.

^۱ هیچ کس نمی تواند به طور کلی حق تمتع و یا حق اجرای تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب نماید.

در فقه امامیه نیز در شروطی که به علت تحریم امور میباح خلاف شرع است موضوع سلب و اسقاط حق بطور ضمنی مطرح شده است و غالب فقیهان تأکید کرده‌اند که فقط اسقاط حق بطور کلی با شرع منافات دارد، و شرطی خلاف مشروع است که با عمومات و کلیات منافی باشد و به صورت وضع قاعده کلی درآید. مشهور فقها درباره اسقاط حق اعتقاد دارند که از جمله ایقاعات است (شهید اول و ثانی، بی تا: ۶۹).^۱ باب این، اسقاط انشای یک طرفه است که تحقق آن نیاز به قبول طرف دیگر ندارد. قابل ذکر است که در ادبیات حقوقی این بحث با عنوان زوال حق طرح می‌گردد و بر دو قسم است: الف) زوال ارادی ب) زوال قهری. این بدین معنا است که هم چنان که اعمال حقوقی می‌تواند حق را از بین ببرد و قبیح حقوق نیز آن را زایل می‌کند. اما اسقاط حق در واقع همان زوال ارادی حق است که در قلمرو ایقاع به عنوان یکی از اعمال حقوقی قرار می‌گیرد و به صاحب حق اجازه می‌دهد از حق خود صرف‌نظر کند. از مصادیق بارز صرف‌نظر کردن ابراء^۲

^۱ قابل ذکر است که درباره ماهیت ابراء دو نظر است: ۱- مشهور فقها که ابراء را اسقاط حق می‌دانند که در این صورت ایقاع است و نیاز به قبول مدیون ندارد. ۲- برخی ابراء را تملیک دین به مدیون می‌دانند که در این صورت عقد بوده و نیازمند قبول است. بنابراین، نتیجه گرفته می‌شود

و اعراض است اولی در حقوق دینی است و از موارد سقوط تعهدات است و دومی برای صرف نظر کردن از مالکیت در حقوق عینی است (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۰۷). پس با توجه به مطالب فوق می‌توان در نظر داشت که پژوهش فوق با هدف این سؤال اساسی به نگارش در آمده است که اعتبار و آثار سلب حق در فقه و حقوق چگونه است؟